

چریک آرژانتینی در هزاره سوم در جایگاه قدیمی سیاسی نشسته است

بازگشت آمریکای لاتین به عصر چه گوارا

[منبع: مانکنی رویوا]

گذشت زمان بر محبوبیت مبارز نامی آمریکای لاتین افزوده است. در چهلمین سال درگذشت تصویر خدای چه گوارا با همان پوینتورم چریکی اش ساعت ها بر مونیتور ماهواره های غربی جک شد. همه محافل خبری و سیاسی در جستجوی راز ماندگاری نام این مبارز هستند در دنیای لیبرال و غیر لیبرال کسی نیست که از شنیدن خاطره های زندگی افسانه ای حظه نبرد.

اما اتفاق مهم در چهلمین سال درگذشت چه گوارا موج تحولی است که با الهام از راه و اندیشه این مبارز به جریان افتاده است. دولت های انقلابی جدیدی که در این خطه پرچم استقلال در دست گرفته اند پیش از همه به دو چهره اسطوره ای آمریکای لاتین یعنی چه گوارا و کاسترو اقتدا دارند. آنها جملگی میراث مبارزات چه گوارا را تنها راه راهی از کانون سلطه عصر امروز یعنی ایالات متحده مدعی می کنند. تا حدی که هوگو چاوز از تمام محققان شی خواسته است اندیشه ها و تفکرات این چریک را محور ستون آموزش و نظام تعلیمی خویش قرار دهد. در این راستا امروز نسخه های مجله مانکنی رویوا میان جوانان این خطه دست به دست می چرخد. مانکنی رویوا، مجله مستقل سوسیالیستی بود که پال سوئری اقتصاددان نامی چپ آن را بنیان نهاد و شماره نخست آن در ماه مه ۱۹۴۹ در حالی که به عکس مشهور چه گوارا با همان کلاه و لباس چریکی اش منقش بود با مقاله ای از آلبرت آشتاین با عنوان چرا سوسیالیسم؟ منتشر شد.

ارنستو چه گوارا پروشک آرژانتینی واسطوره مبارزه آمریکای انقلاب - در سال ۱۹۵۴ در مکزیک به کاسترو رهبر انقلاب - ۵۹ - ۱۹۵۶ کوبا ملحق شد؛ او سال ۱۹۶۵ کوبا را برای تشکیل یک نیروی چریکی در یولیو ترک کرد. همانجا با نیروی ۱۷ نفری اش توسط ۱۳۰۰ سرباز محاصره و - تقریباً - در چنین روزی - در اکتبر ۱۹۶۷ کشته شد. اعتقاد این مبارز محبوب آمریکای لاتین به تقدم تئوری نبرد چریکی و مسلحانه بر کسب قدرت سیاسی موجه شد. او با بسپاری از همفکرانش در هارنانا خداحافظی کرد. این مرحله او حتی راه خویش را از اردوگاه مرکزی سوسیالیسم جدا کرد. الگویی چه چه گوارا مستقل از مدل های مرسوم چریکی به راه تاریخی خویش ادامه دهد. او اتحاد عمرش با تکاهی انتقادی تر با سیاست های اتحاد شوروی برخورد و تأکید می کرد که قدرت مسلط برنیزمکده شمالی، یعنی اتحاد شوروی و آمریکا، نیمگرم جنوبی جهان است. سوسیالیسم می کند. آخرین روزهای حیات چه گوارا با حکایت های آشن و غریب از راه و انقلاب و پیمانامی سپری شد و ضمن تحسین جنبش مردمی و پیمانامی رفقایان در آمریکای جنوبی را بر می بستیم

و پیمانامی های بسیار خلق کنند. پیمانامی قهرمان نبود. او چه گوارا تنها یک جنگجوی چریک نامی نبود. او همچنین یک متفکر انقلابی، جنگجوی سیاسی و اخلاقی بود. به خاطر آن نبرد مبارزه کرد و جان سپرد. فلسفه ای که به ایمان لیدر کولونز کرد. یکپارگی، رنگ و بو و فکر می بخشد، انسان گرایی انقلابی بوم یافته است. در نظرم چه، مبارز انقلابی حقیقی، کسی است که به مسائل بزرگ جامعه انسانی، به عنوان مسأله شخصی خود می نگرد، کسی که در همواره بر بند کشدن انسانی در هر کجای جهان درد عمیق احساس می کند و هر چه که پرچم آزادی در هر کجای گیتی به اهتزاز در می آید، سرشار از شادی و سروری می گردد. انسانیت را سبب ستمی و سستی موعود و روشی بود برای زیستن. مردم آنکه خود را در گمراهی در نظر همه انسانیت می بیند. سوسیالیسم و کمونیسم در جهان استوار گشته اند. پیمانامی بود. «چه» اغلب وقایع تولی قتل را گفته های جک شد



مبارزه برای استبدادی به چنین شرفی، نیروی محرم که تمامی فعالیت های چه گوارا بود، از اردوگاه استتارگاه گرفته تا نبرد نهایی و نوبیدانه اش در کوه های یولیوی. برخی نیز معتقدند که این طرز تلقی چه گوارا از راه و اندیشه ریشه گرفته است. زمانی که چه گوارا آن را در فرانسه سیراماستر را خواند و در کلاس های اندیشه خود، در میان دهقانان تازه به مبارزه به طبعش، ندرست کرد و در آخرین نامه برای خانواده اش نوشته اند در این بحث چه گوارا این سخن مارکس را نیز ترجیح بند قرار می داد که گفته است: «پرولتاریا به شرفش بیشتر نیاز دارد تا به نان».

انسان گرایی چه گوارا بدون تردید از نوع مارکسیزم ارتدوکس نبود، همین تمایز او از دگم های که در آثار و جزوات شوروی و تفاسیر استراکراسیست ها (ساختارگرا) و ضد انسان گرایی که در اروپا و آمریکا لاتین در اواسط دهه ۶۰ پدیدار شدند جدا می کند. اگرچه چه گوارا در ایام جوانی مطالعه گسترده ای در نوشته های اخلاقی و فلسفی ۱۸۴۴ مارکس انجام داده، اما این بدان سبب بود که مارکس در آن بخشی از عقاید چریک ها را تمییز کرده بود که انسان اجتماعی منفرد است در حالی که مسائل رهبری در این بخش از عقاید چریک ها ارتباطی به هم بودن مبارزه خودگرا انسان علیه از خودبیگانگی تأکید می کند، چه گوارا دشمن سرسخت سرمایه داری و امپریالیسم بود. او روزی چریک ها را عدالت و آزادی را در سر داشت، جهانی که در آن انسان دیگر به دیگر انسان ها نمی پردازد. انسان این جامعه جدید که چه، آن را «انسان نوین» یا «انسان قرن بیستم و یکم»

توتالیترستی از سوسیالیسم بودند این دگم اشتباه را، به مطرح کردن این سؤال که «در این صورت چه کسی به آموزش می دهد؟»، رد می کند.

چه گوارا در این باره در نطق سال ۱۹۶۰ خود گفت: «کام اول آموزش توده ها آشنا کردن آنان با انقلاب است. هرگز و نامود نتواند که تنها با آموزش می تواند به آنان در کسب خوششان در حکومتی سر تا دمکتوری کمک نماید. قبل ویش از هر چیز به آنان کسب خوششان را بیاموزد؛ زیرا آنان به موازات کسب پیروزی هایی برای شرکت در حکومت آن چه را که به آنان آموزش داده شده، فرا خواهند گرفت و فراتر از آن، به زودی بدون تلاشی غلبه به آموزش را برتر تبدیل خواهند شد، به عبارت دیگر از نگاه او، تنها روش آموزشی که بهایی بخش است آن است که توده ها را از طریق عمل انقلابی شان قادر به آموزش نماید.

در پی ایده های چه گوارا درباره سوسیالیسم و دموکراسی در مقطع مرگش هنوز متغیر بودند، اما سوسیالیزم و سوسیالیسم واقع پابنده ای علیه جانبداران است و این دو سوسیالیسم و واقع پابنده آنان در نوشته ها و سخنرانی های او به چشم می خورد. او در سخنرانی معروف به نطق در الجزایر در سال ۱۹۶۵، از آن کشورهایی که خود را سوسیالیست می خوانند خواست تا به همدستی ضمنی خویش با کشورهای استعمارگر غرب که به حفظ روابط تجاری نابرابر با خلق هایی که بر علیه امپریالیسم به جنگ برخاسته بودند، پایان بخشند. از نظر چه گوارا، برادرانه تر نسبت به استبداد، هم در سطح فریدی در میان مللی که سوسیالیسم در آنها برقرار می باشد و هم در عرصه جهانی تا همه آن مللی که مورد دست امپریالیست قرار دارند، یعنی توده ها، باقی نماند. او در مقاله اش به نام سوسیالیسم و انسان در کوبا، در مارس ۱۹۶۵، مدعی سوسیالیستی حاکم در کشورهای اروپایی شرقی را مورد بحث و مفاخره قرار داد نظریه کسانی که در پی برقراری الگوی

پنجشنبه ۱۹ مهرماه ۱۳۸۶ - ۲۹ رمضان ۱۴۲۸ - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۷ - صفحه ۷

نگاه



۱۴ دهه حیات مبارز آمریکای لاتین

چه گوارا ۱۴ ژوئن سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر روزاریو آرژانتین متولد شد. اسم اصلی او ارنستو رافائل دولا سرنیا بود. او سنین نوجوانی را در شهر کوردوبا سپری کرد سپس در دانشگاه بوئنوس آیرس در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد.

در سال ۱۹۵۱ میلادی، ارنستو پس از اخذ مدرک پزشکی دست به سفری در کشورهای آمریکای لاتین زد. این سفر که چندین ماه به طول انجامید به دلیل شرایط قرلاکتی که در منطقه حکم فرما بود تیر زبانی او را به مبارز تبدیل کرد. ارنستو با وجود داشتن خانواده و زندگی مرفه با مشاهده فقر و فلاکت منطقه آمریکای لاتین به زندگی راحه و رفاه پشت کرد و خود را وقف تلاش برای تغییر زندگی مردمی که در دیندگان دکواتوری بودند، کرد. مردم او فقط «چه» یا «ال» چه، می نامیدند.

چه گوارا از سنین جوانی، خود را فردی تشنه عدالت نشان داد و با انتخاب راه مبارزه برای تجات محرومان، نام خویش را در تاریخ جاودانه ساخت.

بزودی آوازه مبارزه او در خطه آمریکای لاتین که در این برهه تحت سلطه نظام های دیکتاتوری بودند، پیچید. او و همزمانش درست در برهه ای که پرچم مبارزه چریکی را بر افراشته شد حکومت های دیکتاتوری رستری آمریکای لاتین به واسطه حمایت ایالات متحده جوی از غرب و وحشت در منطقه کمخفرا ساخته بودند.

سال ۱۹۵۵ میلادی وی در شهر مکزیکو با فیدل کاسترو ملاقات کرد. کسترو در آن هنگام جنش ۲۶ ژوئیه یا ۲۶M۴ با الهام از خوزه مارتی در آن دراک می دید. ارنستو در ۸۲ تفری بود که در سال ۱۹۵۶ میلادی با فیدل کاسترو به کوبا رفت و فقط ۱۲ نفر آنها موفق به بازگشت شدند. از آن پس آنها جنگ چریکی علیه رژیم دیکتاتوری سوسیالیستایست حکومت دیکتاتور آمریکا در کوبا را آغاز کردند. در این نبرد مبارزه از نظر تعداد تجهیزات برانجام ندادن پیروز شدند. سن از سقوط رژیم دیکتاتوری بایستاد و قبل از ورود کاسترو به کوبا و با ارتشانش به شهر هائوآ، پایتخت کوبا فرار کرد و به جمهوری سن دوسینگاندو پناهنده شد.

در ابتدای انقلاب کوبا چه گوارا یکی از مقامات اصلی دولت کوبا بود. سپس رهبر، رئیس بانک مرکزی، وزیر صنایع، اما چنان که مبارزات توصیف کرده اند از آنجا که در کوبا علاوه بر به پشت میز نشینی و فرمان دادن نشانده سال ۱۹۶۰ میلادی، با تعدادی داوطلب جوانان برای اشاعه انقلاب، کوبا را ترک کرد. او ابتدا به شوکت رفت و در اینجا با نبرد تیرزده گیتا آشنا شد. اما کلیلا چندان اقتضای او راجع نکرد. چه گوارا سپس به یولیوی رفت و علیه دیکتاتوری بودیست بودیست جنگ چریکی زد. اما در اثر یک کوشش که همزمان زمان به سازمان سیا در سال ۱۹۶۷ میلادی نسبت می دهند توسط نیروهای ارتش یولیوی سپری شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان که حتی گفته می شود که بر آن چندین هفته تیر زبانی گرفته شده اند که دست چپ او فرقیال مشاهده است. در روز ۹ اکتبر سال ۱۹۶۷ میلادی به قتل رسید.

آخرین روزهای حیات چه گوارا با حکایت هایی از عشق و شوق او به انقلاب و پیمانامی سپری شد او ضمن تحسین جنبش مردمی و پیمانامی رفقایان در آمریکای جنوبی را بر می بستیم تا و پیمانامی های بسیار، خلق کنند

و همواره از موضعی انقلابی و انسان گراییانه، این تصور را که سرمایه مدعی را با تنگنیه بر ستیهای آن می توان شکست داد رد می کرد. «به دنبال بنای نیا ن کیشوت وار سوسیالیسم بودن، به واسطه اینز او پیوسیده به ارت رسیده از سرمایه داری همچون، کالا به متابه حقیقت است. اقتصاد، سوداوری و منافع مادی فردی به عنوان عامل محر که و غیر - سرانجامی عزتین بست ندارد... برای آفریدن جامعه کمونیستی، همزمان با تقویت بنیان های مادی جامعه، می بایستی انسانی نوین را خلق نمایند، از نگاه چه گوارا یکی از بزرگترین خطرات ذاتی مدل شوروی، انغماس نسبت به نابرابری های اجتماعی و ظهور افشام ممتاز بود کورت است. تحت حاکمیت چنین سیستمی از امتیازات اجتماعی، این مدبران هستند که مداسا دستمزد بیشتری دریافت می کنند. نگاههای گذرا به برنامه اخیر جمهوری دموکراتیک آلمان و میزان دریافتی مدیران، نقش مهمی را که به آنها داده شده نشان می دهد، چه گوارا به رد کردن کپی برداری از مدل وارداتی کشورهای سوسیالیستی موجود الگویی که در صحنه کشورهای سرمایه داری نظام می کرد و در صدد انجام آن بود همان است که «خوزه کارلوس ماریا ریسیکه» می گفت: سوسیالیسم در آمریکا نه می تواند کلیشه ای باشد و نه تقلیدی، بلکه آفرینشی است قهرمانانه. این دقیقاً آن چیزی است که در عوض او به دنبال یافتن راه های جدید برای رسیدن به سوسیالیسم بود. راه های که را دیکتاتور، مساوات طلبانه تر و برادرانه تر، بیشتر انسانی باشند.

هشتم اکتبر ۱۹۵۷ روزی است که در مارش هزار ساله انسان ستمدیده به عبارت دیگر از نگاه او، تنها جودان خواهد ماند. گلوله ها شاد چریک راه از آدی را به شهر هائوآ، پایتخت کوبا فرار کرد و به جمهوری سن دوسینگاندو پناهنده شد.

در ابتدای انقلاب کوبا چه گوارا یکی از مقامات اصلی دولت کوبا بود. سپس رهبر، رئیس بانک مرکزی، وزیر صنایع، اما چنان که مبارزات توصیف کرده اند از آنجا که در کوبا علاوه بر به پشت میز نشینی و فرمان دادن نشانده سال ۱۹۶۰ میلادی، با تعدادی داوطلب جوانان برای اشاعه انقلاب، کوبا را ترک کرد. او ابتدا به شوکت رفت و در اینجا با نبرد تیرزده گیتا آشنا شد. اما کلیلا چندان اقتضای او راجع نکرد. چه گوارا سپس به یولیوی رفت و علیه دیکتاتوری بودیست بودیست جنگ چریکی زد. اما در اثر یک کوشش که همزمان زمان به سازمان سیا در سال ۱۹۶۷ میلادی نسبت می دهند توسط نیروهای ارتش یولیوی سپری شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان که حتی گفته می شود که بر آن چندین هفته تیر زبانی گرفته شده اند که دست چپ او فرقیال مشاهده است. در روز ۹ اکتبر سال ۱۹۶۷ میلادی به قتل رسید.

(طالبان) موفق می شوند یا خیر. در میان سیاستمداران واشنگتن این نظریه در ششمین سال جنگ افغانستان هواداران فراوان یافته است که بدون حمله نظامی به جنگجویان (طالبان) که در قلمرو پاکستان خفته اند، نابودی آنان غیر ممکن خواهد بود. البته آمریکا یک بار به صورت محدود این نظریه را تست زد اما در نتیجه این حمله هوایی آمریکا علیه مواضع نظامی (طالبان) و القاعده در خاک پاکستان مردم به خشم آمده و ناراضی گشته خود را علیه رژیم مشرف نشان دادند. به باور منابع اطلاعاتی آمریکا در حال حاضر تروویست ها تقریباً ۴ منطقه در شمال و جنوب وزیرستان مرکزیت داشته و لوازم تمرینات نظامی و لجسنتیکی خود را از این ناحیه تأمین می کنند. استفاده تروویست ها از خاک پاکستان برای عملیات نظامی و پناه گزینی موجه شده است، که آمریکا با مشرف این تعهد را به انجام رساند که طالبان در داخل خاک پاکستان تعقیب و پیگیری شوند. سید سلیم شوهار روزنامه نگار پاکستان در مقاله خود با نام (آمریک) در شبکای طالبان در داخل خاک پاکستان است) آورده است که مشرف به طور ضمنی موافقت کرده که آمریکایی ها می توانست طالبان را در داخل خاک پاکستان تعقیب و پیگیری نمایند. واضح است که این یک تصمیم بزرگ است، که نتیجه آن حکومت مشرف را در عملیات نظامی می پایانی مانند عملیات مسجد لعل در گری می کند. اما جنگ با بغیبه طالبان در داخل قلمرو پاکستان برای کنترل یک قمار بزرگ است با این انتخاب یعنی ایستادن در کنار واشنگتن در جنگ علیه طالبان، مشرف به بزرگترین خطرناکترین انتخاب دوران حیات خویش می زند. این خطر زمانی به اوج خواهد رسید که آمریکا مستقیماً در داخل قلمرو پاکستان عملیات نظامی را انجام بدهد، که طبیعاً لغات ترس طالبان را به دنبال خواهد داشت، که این در نهایت حکومت مشرف را با خطری بی ثباتی روبه رو خواهد ساخت.

وقوع دو حادثه در گروماگرم انتخابات، نخستین پیام های این خطر را به گوش مشرف و شرکایش رساند. حادثه اول تحریم انتخابات توسط شبکه اجزای شگشگانه و قدرت تراندست است. مدعیه که برخی از سران آن به عنوان آموزگاران طالبان شناخته می شوند و مود موم باارامی های مناطق غربی و قبلیه نشین وزیرستان و کشمیر که به سقوط علیه کوپتر همراهمان مشرف در قلمبر کشمیر نیز بودند چندین نظامی ارتش در منطقه وزیرستان مشرف؛ منطقه ای که به عنوان پایتخت طالبان شهرت دارد.

اضطراب های پس از کسب پیروزی

روشن است همه ذمه دغه پوش و متعهد نشی این است که از انتخابات اکتبر پاکستان پلی بوی عبور از نوع ای بزرگ کسب پیروزی، در افغانستان بسازد، جنگی که در همین جبهه پیروزایی آمریکا با طرافین القاعده و طالبان است

عصای نجات را ایفا می کند که دیگر شریک آمریکایی حامد کرزای در کابل با پیشرای طالبان اقتدار خود را در افغانستان از دست می دهد. برای آمریکایی ها مشکلاتی که در عراق پیش آمد اکنون به صورتی پیچیده و پیچش در این جبهه بروز کرده است. در این میان جمع بندی همه کارشنانان سابقون این است که وضع افغانستان به این سیر غیب قابل مهار شده است که «چای» این تروویست ها در داخل خاک پاکستان است و پشتیبانی همه جانبه قبایل و اجزای و نهادهای امنیتی پاکستان از این گروه مانع اصلی نظامی افغانستان شده است.

نابراین موفقیت مشرف در دور جدید رهبری اش با یک سؤال دیگری در ذهن آمریکایی ها گره خورده است که آیا آنها در جنگ علیه جنگجویان

محمّد بخشنده

انتخابات در پاکستان پایان یافته است و همه ناظران نگاه منتظر خویش را به این سمت دوخته اند که نتایج این انتخابات به چه شکلی در سیاست خارجی اسلام آباد بویژه در روابط زترال با طرف های غربی تبلور پیدا می کند. این مسأله ۱۸ اکنون تحلیلگران رسانه های آمریکایی به وضوح در گزارش های خود از اسلام آباد منکس می کنند. بنابراین کامیابش اغلب ناظران از آنچه در پشت صحنه انتخابات گذشته است وروایتی بود بر پایه رزیستن. مردم آنکه خود را در گمراهی در نظر همه انسانیت می بیند. سوسیالیسم و کمونیسم در جهان استوار گشته اند. پیمانامی بود. «چه» اغلب وقایع تولی قتل را گفته های جک شد

اصاحان با بسامان افغانستان برمی گردد و در ششمین سال این جنگ نامکی رژیم مشرف در کنترل امنیتی نیروهای طالبان در مزارهای افغانستان برای مردان کاخ سفید یک فاجعه است. مشرف در برهه ای برای مردم حکم یک هیچ تردیدی در این نیست که دلیل فشار همه جانبه مشرف بر مشرف به

